

روابط ایران و آلمان: نگاهی به آینده

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

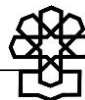
کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۴۷۵۳

اسفندماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱.....چکیده.....
- ۲.....مقدمه.....
- ۳.....پیشینه روابط ایران و آلمان.....
- ۸.....وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده.....
- ۹.....الزامات مناسبات ایران و آلمان (فرصت‌ها و چالش‌ها).....
- ۱۴.....نتیجه‌گیری.....
- ۱۵.....منابع و مآخذ.....



روابط ایران و آلمان: نگاهی به آینده

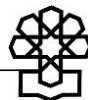
چکیده

ایران و آلمان از دیرباز مناسبات پرفراز و نشیبی با هم داشته‌اند. عمده مناسبات دو کشور در چارچوب روابط تجاری - اقتصادی تعریف شده است. این مناسبات پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در همان چارچوب تجاری - اقتصادی باقی ماند و علیرغم وجود تنش‌های سیاسی ایران و غرب؛ چندان تحت تأثیر قرار نگرفت. تنش‌زدایی و بهبود مناسبات با غرب پس از دوران دفاع مقدس باعث تقویت مناسبات ایران و آلمان شد، اما شروع بحث پرونده هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ مرحله جدیدی در روابط دو کشور را به وجود آورد. آلمان در کنار سایر کشورهای مذاکره‌کننده با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت موافقت و از تحریم‌های اعمالی علیه ایران حمایت کرد. با روی کار آمدن دولت یازدهم و آغاز رویکردهای جدید در سیاست خارجی ایران و سرانجام نهایی شدن برجام و لغو تحریم‌ها، دو کشور در تلاش هستند تا دوران جدیدی از مناسبات را مابین خود ایجاد کنند. این گزارش به بررسی روابط ایران و آلمان و چشم‌انداز آینده آن می‌پردازد.

مقدمه

مناسبات ایران و کشورهای اروپایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرازونشیب‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته است و در این میان مناسبات با آلمان نیز شرایط ویژه‌ای داشته است. عمده مناسبات دو طرف در حوزه اقتصادی تعریف می‌شد. اشغال سفارت آمریکا در تهران، جنگ ایران و عراق، فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام خمینی (ره) و ماجرای دادگاه میکونوس تا اواسط دهه ۷۰ شمسی مناسبات سیاسی دو کشور را تحت تأثیر قرار داد اگرچه بر مناسبات اقتصادی طرفین تأثیر چندانی برجای نگذاشت. روابط دو کشور با توجه به تلاش ایران برای تقویت مناسباتش با اروپا از یکسو و تلاش آلمان برای ورود به عرصه‌های بین‌المللی از سوی دیگر در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمسی ارتقا یافت. اما آغاز بحث پرونده هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داد. آلمان به همراه دو کشور انگلیس و فرانسه مذاکراتی را برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران آغاز کرد. هرچند شرایط نظام بین‌الملل در آن مقطع اجازه حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این پرونده را نداد. تغییر استراتژی و دیپلماسی هسته‌ای ایران و اصرار طرف‌های غربی بر مطالبات غیرقانونی خود عملاً دوران رویارویی با آلمان و سایر قدرت‌های جهانی را به‌وجود آورد. آلمان و سایر کشورهای مذاکره‌کننده پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دادند و تحریم‌های مختلفی را علیه کشور وضع کردند، اما ایجاد فضای جدید در صحنه سیاسی ایران پس از روی کار آمدن دولت یازدهم سرانجام پرونده ۱۲ ساله هسته‌ای ایران را به فرجام رساند.

در حال حاضر آلمان و ایران در پرتو تغییرات ایجاد شده به‌دنبال تقویت و توسعه مناسبات خود می‌باشند. حضور مقامات و هیئت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تجاری



آلمان در تهران پس از روی کار آمدن دولت یازدهم نشانگر این تغییر رویکرد است. این گزارش به بررسی روابط ایران و آلمان و چشم‌انداز آینده آن می‌پردازد.

پیشینه روابط ایران و آلمان

گفته می‌شود که از نخستین برخوردها بین ایرانی‌ها و آلمانی‌ها حدود دو هزار سال می‌گذرد. کنکاش در روابط سیاسی دو طرف، تاریخی با قدمت ۵۰۰ سال نشان می‌دهد. یعنی زمانی که شاه اسماعیل اول در قرن ۱۶ میلادی، کشیشی مجار را برای جلب موافقت امپراتوری مقدس روم به اتحاد میان ایران و آلمان علیه عثمانی به آن کشور گسیل داشت (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

نداشتن سابقه استعماری در ایران، هم‌ریشه بودن دو ملت و مسائلی از این دست، باعث شد آلمان‌ها وجهه‌ای مثبت نزد افکار عمومی ایرانیان داشته باشند (رحمانی، ۱۳۸۴، ۴۳). قدمت روابط دوجانبه به شکل فعلی به سال ۱۸۸۵ و زمان گشایش رسمی سفارت ایران در برلین و نیز سفارت آلمان در تهران در دوره ناصری باز می‌گردد (www.iranembassy.de).

در دوران سلطنت مظفرالدین شاه روابط دو کشور دوستانه بود. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا وی از آلمان هم دیدار کرد. شاه قاجار در سفر دوم به اروپا نیز در سال ۱۹۰۳ از آلمان بازدید کرد. این سفرها دستاوردی برای ایران و روابط با آلمان نداشت. در دوران انقلاب مشروطیت (۱۹۱۱-۱۹۰۶) دو دولت فرصتی برای همکاری با یکدیگر نداشتند.

طی جنگ جهانی اول آلمانی‌ها از جنبش مقاومت ملی ایران و حکومت موقتی که

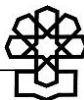
به ریاست نظام‌السلطنه مافی در کرمانشاه تشکیل شده بود، در مقابل روسیه و انگلیس حمایت کردند. از جمله واسموس در سال ۱۹۱۵ با تنگستانی‌ها بر ضدانگلیسی‌ها همکاری می‌کرد.

در دوران سلطنت رضاشاه و حکومت جمهوری وایمار در آلمان به‌علت فعالیت اپوزیسیون ایران در آلمان علیه رضاشاه روابط طرفین مشکلاتی داشت، اما همکاری اقتصادی دو کشور تداوم یافته و رو به رشد گذاشت. از سال ۱۹۳۳ و پس از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان مناسبات دو کشور به سرعت گسترش یافت. به‌گونه‌ای که تا سال ۱۹۳۷ آلمان مقام اول را در تجارت خارجی ایران کسب کرد (کتاب سبز آلمان، ۱۳۷۸: ۳۴۵-۳۴۴).

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل آلمان غربی این دو کشور در سال ۱۹۵۲ سفارت خود را در تهران و ایران نیز سفارت خود را در کلن افتتاح کردند. در سال ۱۹۵۵ دو کشور نمایندگی سیاسی خود را به درجه سفارت کبری ارتقا دادند و ایران به تدریج سرکنسولگری‌های خود را در هامبورگ، مونیخ و برلین افتتاح کرد.

در دوران پهلوی دوم داشتن تهدید مشترک (شوروی و کمونیسم)، عضویت دو دولت در بلوک غرب و داشتن روابط نزدیک با آمریکا، وجود تفاهم سیاسی بین دو دولت در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی، اهمیت ایران برای اقتصاد آلمان و همچنین حسن شهرت آلمان‌ها از مهمترین عوامل توسعه روابط دوجانبه بودند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۳-۲۰۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی روابط طرفین محدود شد. قرار داشتن آلمان در بلوک غرب و پیروی از سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران، هیچ‌گاه اجازه نداد تا زمینه لازم برای تفاهم سیاسی فراهم شود. با این حال روابط ایران با آلمان در مقایسه با روابط با دو قدرت دیگر اروپایی یعنی فرانسه و انگلستان از جو دوستانه‌تری برخوردار بوده و افت‌وخیزهای



کمتری را تجربه کرده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آلمان زودتر از سایر دولت‌ها سعی کرد از بحرانی و متشنج شدن روابط دو کشور جلوگیری به عمل آورد، لذا گنشر وزیر امور خارجه آلمان در تیرماه ۱۳۶۳ به‌عنوان اولین وزیر خارجه یک دولت غربی و اروپایی به ایران سفر کرد. در ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ فیلم توهین‌آمیزی از کانال سراسری تلویزیون آلمان (ای آر دی) پخش شد که روابط دو کشور را به‌شدت تیره ساخت. در نتیجه مؤسسه گوته در تهران تعطیل و دو دیپلمات آلمانی از تهران اخراج شدند. آلمان در تهیه قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت نقش مهمی داشت و گنشر پس از برقراری آتش‌بس در آبان‌ماه ۱۳۶۷ برای بار دوم به ایران سفر کرد.

فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام خمینی (ره) مناسبات دو کشور را تحت تأثیر قرار داد و سفیر آلمان نیز به‌همراه سایر سفرای اروپایی تهران را ترک کرد، اما یک ماه بعد همه سفرای اروپایی به ایران بازگشتند. پس از بحران کویت (۱۹۹۰-۱۹۹۱) گنشر برای بار سوم به ایران سفر و با مقامات عالی ایران دیدار کرد.

در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی مناسبات ایران و آلمان بهبود یافت. ایران در آزادی گروگان‌های آلمانی در لبنان نقش سازنده‌ای ایفا کرد و دکتر ولایتی برای بار دوم در سال ۱۹۹۲ به آلمان سفر کرد. از سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) تا ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) گفتگوهای انتقادی میان ایران و آلمان انجام شد. اما روابط دو کشور در اواخر دوره سازندگی به‌شدت تحت تأثیر دادگاه میکونوس و رأی آن دادگاه قرار گرفت و نهایتاً سفیر آلمان به‌همراه سفرای کشورهای اروپایی تهران را ترک کردند (کتاب سبز آلمان، ۱۳۷۸: ۳۵۱-۳۴۸).

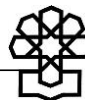
آغاز دوران اصلاحات و سیاست خارجی مبتنی بر تنش‌زدایی، اعتمادسازی و گفتگوی

تمدن‌ها باعث ارتقای مجدد روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور شد. به گونه‌ای که رئیس‌جمهور وقت ایران برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ از آلمان بازدید کرد. از سال ۲۰۰۳ به بعد نیز روابط دو کشور تحت تأثیر فعالیت‌های هسته‌ای و مواضع ضداسرائیلی ایران قرار گرفته و با کاهش سطح مبادلات تجاری، روابط دوجانبه در رکود و سردی بسر برد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). به‌عنوان مثال اگر در سال ۲۰۰۱ رئیس پارلمان و وزیر خارجه آن کشور؛ در سال ۲۰۰۲ وزرای دارایی، محیط زیست و اقتصاد آلمان و در سال ۲۰۰۳ وزیر خارجه آلمان و وزرای کار و اقتصاد آن کشور به ایران سفر کردند؛ از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۳ صرفاً تعداد محدودی از مقامات عمدتاً پارلمانی آلمان به ایران آمدند. در سال ۲۰۰۹ گرهارد شرودر صدراعظم اسبق آلمان و در سال ۲۰۱۱ گیدو وستروله وزیر و معاون وزیر امور خارجه آلمان از ایران بازدید کردند (www.eurica.ir).

پیشینه روابط اقتصادی دو طرف نیز به سال ۱۸۷۳ و زمان عقد قرارداد مودت با ویلهلم اول و بیسمارک با ناصرالدین شاه برمی‌گردد. با روی کار آمدن رضاشاه روابط اقتصادی دو کشور گسترش یافت. در سال ۱۹۴۱ آلمان ۴۵ درصد تجارت خارجی ایران را در دست داشت (موسویان، ۱۳۸۵: ۳۳).

از دهه ۱۹۶۰ به بعد آلمان غربی در صدر کشورهای صادرکننده کالا و خدمات به ایران قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی عدم تراز بازرگانی به ویژگی بارز روابط اقتصادی بین ایران و آلمان تبدیل شد.

مناسبات اقتصادی طرفین در دوران سازندگی و اصلاحات رشد قابل ملاحظه‌ای یافت، اما با آغاز مناقشه بر سر پرونده هسته‌ای ایران و به‌ویژه از زمان ارجاع پرونده به شورای امنیت و شروع تحریم‌ها علیه ایران مناسبات اقتصادی ایران و آلمان به شدت کاهش



یافت. طبق آمار وزارت خارجه آلمان، در سال ۲۰۰۹ صادرات این کشور در مقایسه با سال ۲۰۰۸، ۵/۳ درصد کاهش یافت و واردات از ایران نیز با ۱۰/۳ درصد کاهش روبرو بوده است (www.auswaertiges).

در جدول زیر میزان صادرات و واردات آلمان به و از ایران بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نشان داده شده است:

سال	صادرات آلمان به ایران (میلیارد یورو)	واردات آلمان از ایران (میلیون یورو)
۲۰۰۵	۴/۴۲۹ (+۲۴٪)	۴۶۲ (+۱۸٪)
۲۰۰۶	۴/۱۱۰ (-۷٪)	۴۱۰ (-۱۰٪)
۲۰۰۷	۳/۶۰۴ (-۱۳٪)	۵۸۳ (+۴۰٪)
۲۰۰۸	۳/۹۲۴ (+۸/۹٪)	۵۹۳/۲۵ (-۰/۹٪)
۲۰۰۹	۳/۷۱۴ (-۵/۳٪)	۵۳۷/۹ (-۱۰/۳٪)

مأخذ: احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶.

در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) صادرات ایران به آلمان ۳۴۶ میلیون و ۶۲۱،۳۴۴ دلار و واردات ایران از آلمان ۴ میلیارد و ۵۹۰ میلیون و ۱۳۲،۰۲۰ دلار بوده است. در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) صادرات ایران به آلمان ۴۱۵ میلیون و ۱۰۷،۶۷۶ دلار و واردات ایران از آلمان ۳ میلیارد و ۴۴۹ میلیون و ۵۱۷،۱۹۳ دلار بوده است. در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) صادرات ایران به آلمان ۳۵۶ میلیون و ۶۸،۱۱۸ دلار و واردات ایران از آلمان ۲ میلیارد و ۸۴۴ میلیون و ۷۷۲،۹۸۲ دلار بوده است (www.irica.gov.ir).

آمارهای فوق نشانگر کاهش سطح مبادلات تجاری طرفین از سال ۲۰۰۳ به بعد

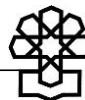
می‌باشد.

وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده

همان‌طور که اشاره شد مناسبات ایران و آلمان در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد متأثر از سیاست خارجی دولت، پرونده هسته‌ای ایران، مواضع ایران در قبال رژیم صهیونیستی و هولوکاست و نیز سیاست‌های غیرمنطقی کشورهای غربی در قبال ایران رو به افول گذاشت. مناسبات کاهش یافته سیاسی حتی بر مناسبات تجاری و اقتصادی طرفین نیز اثر گذاشت. همان‌طور که ذکر شد در سال ۲۰۰۹ صادرات آلمان به ایران در مقایسه با سال ۲۰۰۸، ۵/۳ درصد کاهش یافت و واردات آلمان از ایران نیز با ۱۰/۳ درصد کاهش روبرو شد (www.auswaertiges.amt.de).

اما از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم و در پیش گرفته شدن سیاست خارجی مبتنی بر تنش‌زدایی، تعامل سازنده، اعتمادسازی و تلاش برای حل‌وفصل مشکلات به‌ویژه در مقوله هسته‌ای با جهان خارج؛ آلمان نیز در کنار سایر کشورهای غربی با رویکرد مثبت به تعامل و گسترش همکاری‌های دوجانبه با ایران اندیشید. در این میان توافق موقت ژنو، دوبار تمدید آن، بیانیه لوزان و سرانجام رسیدن به برجام و تمهیدات متأثر از آن از جمله قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص انجام کلیه تعهدات ایران مطابق برجام و بسته شدن پرونده پی.ام.دی، تصویب برجام و نهایتاً شروع اجرای برجام و برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای ایران فضای مناسبی برای گسترش روابط ایران و آلمان فراهم کرد.

روابط رو به توسعه سبب شد فرانک والتر اشتان مایر وزیر خارجه آلمان در ۲۵ مهرماه ۱۳۹۴ به‌منظور شرکت در نشست مقدماتی کنفرانس امنیتی مونیخ به تهران سفر و با مقام‌های ایران دیدار کند. این درحالی است که سه ماه قبل از آن زیگمار گابریل وزیر



اقتصاد و قائم مقام صدراعظم آلمان به همراه هیئت اقتصادی به ایران سفر کرده بود. این سفرها نشان از آن دارد که آلمان در دوران پسابرجام به دنبال بازتعریف مناسبات خود با ایران می‌باشد (www.eurica.ir).

در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) صادرات ایران به آلمان ۳۳۶ میلیون و ۳۶۶,۵۸۷ دلار و واردات ایران از آلمان ۲ میلیارد و ۳۰۱ میلیون و ۷۶۶,۴۵۵ دلار و در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) صادرات ایران به آلمان ۳۷۱ میلیون و ۸۹۳,۰۳۶ دلار و واردات ایران از آلمان ۲ میلیارد و ۴۶۱ میلیون و ۷۹۶,۸۵۲ دلار بود (www.irica.gov.ir).

آمار فوق نیز نشانگر افزایش مبادلات تجاری دو کشور از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم می‌باشد.

الزامات مناسبات ایران و آلمان (فرصت‌ها و چالش‌ها)

ایران و آلمان دارای منافع مشترکی هستند که تأکید بر آنها و همکاری در حوزه‌های مختلف می‌تواند باعث تأمین منافع مشترک طرفین شود. در حقیقت در توسعه و ارتقای روابط دو کشور به‌ویژه در عصر پسابرجام فرصت‌های مختلفی برای دو طرف و از جمله برای ایران وجود دارد. هرچند چالش‌هایی نیز در مناسبات دو کشور قابل بررسی است که شناخت آنها و مدیریت این چالش‌ها می‌تواند در بهبود مناسبات دو کشور قابل بررسی باشد.

۱. فرصت‌ها

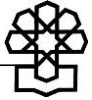
آلمان پرجمعیت‌ترین کشور اروپا، چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا برحسب تولید ناخالص داخلی، پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا برحسب قدرت خرید، دومین صادرکننده و سومین واردکننده

بزرگ دنیاست. موتور اقتصادی قاره سبز، ۲۰ درصد بودجه اتحادیه اروپا و ۸ درصد بودجه سازمان ملل متحد (سومین کشور در دنیا از این حیث) را تأمین می‌کند. در اکثر نهادهای تأثیرگذار بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا، ناتو، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان امنیت و همکاری اروپا، گروه ۸ (در حال حاضر گروه ۷)، گروه ۲۰، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مشارکتی فعال دارد. بارها عضو غیردائم شورای امنیت بوده و شهر بن مقر اصلی ۱۹ سازمان وابسته به سازمان ملل می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

مزیت‌های فوق‌العاده‌ای است که ایران می‌تواند در صورت ارتقا و توسعه مناسب‌اتش با آلمان از آنها در ابعاد گوناگون از جمله نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین جذب سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز خود استفاده نماید.

از سوی دیگر آلمان بعد از اتحاد تلاش کرده با بهره‌گیری از توان اقتصادی‌اش، بر قدرت سیاسی خود نخست در قاره اروپا و سپس در عرصه بین‌المللی و به‌خصوص مناطق حساس و حیاتی‌ای مانند غرب آسیا بیافزاید و به‌عنوان بازیگری کلیدی به ایفای نقش بپردازد. بدون شک در راستای رسیدن به چنین اهدافی، ایران نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند.

منافع مشترک دو کشور در منطقه غرب آسیا می‌تواند همکاری‌های دوجانبه‌ای را بین ایران و آلمان به‌وجود آورد. در حقیقت ایران می‌تواند در سیاست خاورمیانه‌ای آلمان به ایفای نقش مهمی بپردازد. هرچند سیاست خاورمیانه‌ای آلمان بیش از هر چیز تحت تأثیر روابط استراتژیکش با آمریکا و حفظ و مراقبت از روابط ویژه‌اش با رژیم صهیونیستی است؛ ولی با مسائلی چون امنیت و ثبات منطقه‌ای، امنیت انرژی، تروریسم، نابسامانی امنیتی در افغانستان و عراق، مهاجرت غیرقانونی، بحران فلسطین و در نهایت تلاش ایران و عربستان برای تبدیل شدن به یک قدرت برتر در خلیج فارس نیز درگیر است



(Steinberg, 2009:67).

ایران و آلمان به واسطه موقعیت و امکانات منطقه‌ای و جهانی، ظرفیت بالایی برای همکاری با یکدیگر و ایجاد روابط دوجانبه ویژه دارند که تأمین‌کننده منافع هر دو و ارتقابخش جایگاه آنها در جهان باشد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

بنابراین در مجموع می‌توان فرصت‌های مناسبات دو کشور را در موارد زیر خلاصه کرد:

- **ارتقای جایگاه سیاسی هر دو کشور در عرصه بین‌المللی:** ایران می‌تواند دروازه ورود آلمان به منطقه غرب آسیا باشد و کمک کند تا این کشور به ایفای نقش در یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیک جهان بپردازد. در مقابل آلمان می‌تواند دروازه ورود ایران به اروپا و وسیله پیشبرد اهداف سیاست اروپایی آن باشد. آلمان همچنین می‌تواند به افزایش وزن و جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی کمک کند (همان: ۲۲۷-۲۲۶).

- **امنیت انرژی:** آلمان ۹۷ درصد نفت و ۸۳ درصد گاز خود را از خارج وارد می‌کند (همان). سرمایه‌گذاری آلمان در صنعت نفت و گاز ایران از یک طرف و همکاری دو کشور در برقراری امنیت انرژی از سوی دیگر عامل مشترک نزدیکی دو کشور خواهد بود.

- **مبارزه با تروریسم بین‌المللی و افراط‌گرایی:** همکاری امنیتی دو کشور در مبارزه با تروریسم به دنبال سفر برند اشمید باور، وزیر مشاور صدراعظم آلمان و مسئول هماهنگی سرویس‌های اطلاعاتی فدرال به تهران در ۱۹۹۲ آغاز شد (همان: ۲۲۹). ایران به‌عنوان دارنده یک دستگاه امنیتی و اطلاعاتی مسلط بر جریان‌های تروریستی می‌تواند به آلمان در زمینه مبارزه با تروریسم و تحقق یکی از اهداف اصلی امنیت ملی آن کمک کند (همان: ۲۳۰).

- **فرصت‌های اقتصادی:** ایران می‌تواند از توانمندی اقتصادی (تکنولوژیکی - مالی)

آلمان بهره‌مند شود. آلمان نیز می‌تواند انرژی خود را از ایران تهیه و کالاهای خود را به ایران بفروشد (همان: ۲۳۱-۲۳۰).

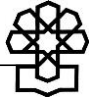
جایگاه خاص ایران در سیاست خاورمیانه‌ای آلمان به واسطه سه مؤلفه کلیدی اقتصاد، موقعیت ژئوپلیتیک و فرهنگ تعریف می‌شود. در کنار این ۳ مؤلفه، اهمیت و جایگاه ایران در جهان اسلام، جمعیت، اندازه جغرافیایی و سوابق تاریخی باعث شده تا این کشور درباره ایران طرح‌های سیاسی داشته و روابط خاصی با آن در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه، برقرار نماید (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۲۱-۴۲۰).

۲. چالش‌ها

در کنار فرصت‌های فوق، چالش‌هایی نیز در روابط دو کشور ایران و آلمان وجود دارد. توجه به نقاط چالش‌زا و تلاش برای مدیریت این چالش‌ها در ارتقای مناسبات دو کشور در آینده تأثیرگذار می‌باشد. این چالش‌ها نیز عبارتند از:

- **رژیم صهیونیستی و فرآیند صلح خاورمیانه:** لابی صهیونیستی در داخل آلمان از ابزارهای گسترده‌ای برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و احزاب برخوردار است. مواضع ایران در مورد هولوکاست و انتقاد از جنایات رژیم صهیونیستی، باعث گرایش بیشتر آلمان به این رژیم و حمایت‌های لفظی و شفاف از اسرائیل و منوط کردن بهبود روابط ایران و آلمان به اصلاح نگاه ایران به رژیم اشغالگر قدس شد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۱-۲۲۰).

- **برنامه هسته‌ای ایران:** آلمان در قالب تروئیکای اروپایی برای حل‌وفصل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ خود را درگیر این برنامه ساخت. در دوره بعد نیز در قالب گروه ۱+۵ ایفای نقش کرد. آلمان از حامیان چهارمین قطعنامه شورای امنیت علیه



ایران در ژوئن ۲۰۱۰ و از بنیان قطعنامه تحریم‌های اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۱۰ بود. یعنی از ۲۰۰۶ به بعد آلمان مواضع خود را درخصوص تقابل با ایران هر چه بیشتر به آمریکا و محور پاریس - لندن نزدیک کرد (همان: ۲۲۳-۲۲۲). البته به نظر می‌رسد اجرای برجام بتواند این موضوع چالش‌زا در مناسبات دو کشور را رفع کند.

- **حقوق بشر:** انتقاد آلمان از وضعیت حقوق بشر در ایران با قضیه سلمان رشدی پررنگ شد و به دنبال قضیه میکونوس افزایش یافت. در گفتگوهای انتقادی و سازنده نیز حقوق بشر همواره بخش عمده‌ای از گفتگوها را به خود اختصاص می‌داد. بنابراین حقوق بشر در آینده مناسبات سیاسی ایران و آلمان نیز تأثیرگذار خواهد بود.

- **حمایت آلمان از برخی گروه‌های تروریستی:** یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در آینده مناسبات ایران و آلمان تأثیرگذار باشد موضوع گروهک تروریستی پژاک است که سران آن به‌رغم انجام عملیات تروریستی مکرر در مرزهای غربی ایران، به‌عنوان شهروند آلمان در این کشور زندگی می‌کنند. در سفر گیدو وستروله وزیر امور خارجه وقت آلمان به ایران آقای صالحی وزیر امور خارجه وقت ایران از وی خواست از فعالیت این گروهک تروریستی ممانعت به‌عمل آید (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۱: ۵۴۹-۵۴۸).

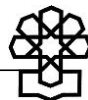
- **نقش ایالات متحده در روابط ایران و آلمان:** ایالات متحده از گذشته در مناسبات ایران و کشورهای غربی از جمله آلمان تأثیرگذار بوده است. از این رو کاهش تنش در مناسبات ایران و ایالات متحده می‌تواند در توسعه و ارتقای مناسبات ایران و آلمان نیز اثرگذار باشد.

نتیجه‌گیری

حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران پس از ۱۳ سال می‌تواند باعث ارتقای مجدد روابط ایران و کشورهای غربی و اروپایی و از جمله آلمان شود. مناسبات ایران و آلمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدی تحت تأثیر فضای کلی مناسبات متشنج ایران و کشورهای غربی بوده است. اما آلمان به دلایل مختلف عمدتاً سعی کرد که سطحی متعادل از مناسبات سیاسی با ایران داشته باشد.

به‌طور خلاصه رویکردهای آلمان نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: رویکرد تعامل انتقادی از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۸؛ رویکرد تعامل سازنده از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳؛ رویکرد تعامل مشروط از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶؛ رویکرد مهار به واسطه تعامل از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ و رویکرد گسترش همکاری‌های اقتصادی - سیاسی از ۲۰۱۳ به بعد.

در این میان سیاست خارجی دولت یازدهم و تلاش برای حل و فصل مشکلات با جهان خارج با استقبال کشورهای غربی و از جمله آلمان مواجه شده است. نزدیک شدن به توافق هسته‌ای باعث شد تا آلمان مجدداً به فکر توسعه مناسباتش با ایران بیافتد. در این توسعه مناسبات منافع مشترک سیاسی، اقتصادی و امنیتی باعث نزدیکی و همکاری دو کشور در آینده خواهد شد. کما اینکه نیاز ایران به تکنولوژی و سرمایه و نیاز آلمان به استفاده از جایگاه ایران در منطقه غرب آسیا (و از جمله نقش ایران در حل و فصل بحران‌هایی چون بحران سوریه) عامل همکاری دو کشور خواهد شد. هر چند وجود چالش‌هایی از جمله نقش لابی صهیونیستی در آلمان، مباحث حقوق بشر و نقش منفی آمریکا در مناسبات ایران و آلمان می‌تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. بدیهی است که مدیریت این نقاط چالشی می‌تواند



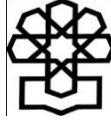
میزان دخالت آنها را در روابط دو کشور کاهش دهد.

در نهایت می‌توان مطرح کرد که توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان منافع هر دو کشور را تأمین خواهد کرد. در این راستا استفاده از دیپلماسی هوشمندانه، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، رسانه‌ای و فرهنگی؛ استفاده از مناسبات شخصی با چهره‌های شاخص سیاسی و اقتصادی آلمان؛ بهره‌گیری از دیپلماسی پارلمانی و گسترش فعالیت گروه دوستی ایران و آلمان، استفاده از دیپلماسی ورزشی و بهره‌گیری از وجود نزدیک به دویست هزار ایرانی نسل اول و دوم مقیم آلمان می‌تواند در توسعه روابط دو کشور در آینده تأثیرگذار باشد.

منابع و مأخذ

۱. احمدی‌لفورکی، بهزاد. آلمان: دوست نیمه‌راه - روابط ایران و آلمان و چشم‌انداز پیش‌رو، در کتاب اروپا (۱۰)، ویژه روابط ایران و اروپا، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰.
۲. احمدی‌لفورکی، بهزاد. روابط جمهوری اسلامی ایران و آلمان در پرتو تحولات خاورمیانه - شمال آفریقا (منطقه منا) در ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۳. ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۴. ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۵. شفیعی، اسماعیل و مسعود رضایی. سیر تحول از مناقشه تا امیدواری در روابط جمهوری اسلامی ایران و آلمان، در: ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.

۶. رحمانی، علی. کتاب سبز آلمان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
۷. احمدی لفورکی، بهزاد. کتاب اروپا (۱۰)، ویژه روابط ایران و اروپا، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰.
۸. کیانی، داود. نقش آلمان در سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران، در: ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۹. موسویان، سیدحسین. چالش‌های روابط ایران و غرب؛ بررسی روابط ایران و آلمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵.
10. Steinberg, Guido (Sep 2009), German Middle East and North Africa Policy, Interest, strategies, options, swp.
11. <http://www.auswaertigesamt.de/En/Aussenpolitik/Laender/Laenderinfos/01-nodes/Iran-node.html>.
12. <http://www.iranembassy.de/per/political-relations.htm>.
13. <http://www.eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itamid=12>
14. <http://www.irica.gov.ir>



شماره مسلسل: ۱۴۷۵۳

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: روابط ایران و آلمان: نگاهی به آینده

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: اردشیر سنایی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: وحید احمدی (رئیس کارگروه روابط خارجی مجلس)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. جمهوری اسلامی ایران

۲. آلمان

۳. روابط اقتصادی

۴. روابط سیاسی

۵. چالش‌ها

۶. فرصت‌ها



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷